

BEGINING OF ISRAEL'S

END



مرکبی که ستون‌های غرب را لرزاند

نگاهی تحلیلی به زندگی و شهادت عماد فائز مغنیه

عماد مغنیه

محمدعلی روزبهانی

اشاره:

آفتاب زده و نزده، دو رکعت نماز صبح با ده تا خمیازه به جا می‌آوری و هنوز سلام نماز تمام نشده، سه تکبیر آخر نماز را زیر پتو تکرار می‌کنی و به تکبیر سوم نرسیده، خوابت می‌برد. لنگ ظهر که بلند می‌شوی، خبر اول رسانه‌ها این است: دیشب شیخ احمد یاسین، رهبر جنبش مقاومت اسلامی فلسطین، حماس، در سحرگاه روز دوشنبه ۳ فروردین ۱۳۸۳ پس از اقامه نماز صبح در مسجد غزه در هنگام عزیمت به خانه با نظارت مستقیم شایون هدف سه موشک هلفایر بالگردهای ارتش اسرائیل قرار گرفت و در سن ۶۶ سالگی به شهادت رسید. به همین راحتی! البته نه به همین راحتی هم که ما فکر می‌کنیم! برادران! و البته تعدادی نیز از خواهران! صهیونیست احساس تکلیف! کرده و دیشب تا صبح نخواستید بودند و مقدمات فریضه ترور یکی از دشمنان سرسخت‌شان را به جا می‌آوردند. البته اگر بگوییم برادران و هکذا خواهران صهیونیست! فقط یک شبانه‌روز به زحمت افتاده‌اند، بی انصافی کرده‌ایم؛ زیرا مگر می‌شود برای عملیاتی به این پیچیدگی، در رأس زمان و مکان مقرر با شلیکی اینچنین دقیق، ماه‌ها تمرین و شب زنده داری نکرده باشند؟ یکی از همین شب‌های تکراری بود یا شاید نه! که همگی آشفته و بی قرار؛ خبری شنیدیم با این مضمون که یک فرمانده عالی رتبه حزب الله لبنان ساعت ۲۲:۳۰ بیست و سوم بهمن ۱۳۸۶ در دمشق به شهادت رسید. این فرمانده عالی رتبه کسی نبود جز شهید حاج عماد فائز مغنیه.

BEGINNING OF ISRAEL'S END

**مقام معظم رهبری: تبهکاران غاصب
فلسطین بدانند که قدرت نمایین های
احمقانه آنان، بزرگ ترین شاهد ضعف و
شکست آنهاست و رژیم غاصب و دولت
مجهول صهیونیستی محکوم به فناست.**



شهادت طلبی، جهانتگیر می شود

فرهنگ شهادت طلبی با خون خدا، حضرت سیدالشهدا(ع) در رگ های شیعه جاری شد و تا طلوع پانزدهمین قرن از شهادت او همچنان به مسیر سرخ خود ادامه داده است. گلبرگ ها و شاخسارهایی که کنار این نهر خروشان روئیده، تنها از یک مکتب و یک آئین خاص نبوده اند. بسیار است حکایت ها و اخباری که از ادیان دیگر به گوش می رسد و فصلی نو از استمرار حرکت حسین علیه السلام را فراتر از زمان و مکانی خاص به همراه دارد. از ارادت زبازد هندوان به حضرت ایشان تا موج شیعه گرایی کنونی مسیحیان در منطقه آمریکای جنوبی، همه و همه از کارساز بودن و همه گیر شدن این فرهنگ و آیین بالنده خبر می دهد. در حرکت ها و

جنبش های اهل سنت از جامعه مسلمانان نیز گروه های بسیاری برخاسته اند که آگاه یا ناخودآگاه از زلال اندیشه های حسینی سیراب شده اند و ارادت و علاقه بی نظیر عامه ملت های مسلمان که از برادران اهل سنت ما هستند به انقلاب اسلامی ایران و رهبری عالیقدر آن، حضرت امام خمینی(ره) نشان از این حقیقت فراگیر دارد. از جمله این ارادتمندان، شیخ احمد یاسین، رهبر جنبش حماس در فلسطین است که تمام زندگی و توان خود را برای عزت اسلام گذارد. شیخ احمد یاسین، جهاد را تنها راه تغییر وضعیت اعراب و مسلمانان می دانست. انتفاضه مردمی که در دسامبر سال ۱۹۸۷ پدید آمد، از ثمرات فکری شیخ احمد یاسین بود. او در همه دیدارها می گفت که باید انتفاضه را ادامه دهیم تا آنکه یهود، نوار غزه و کرانه باختری را ترک کند. تصمیم برای آغاز انتفاضه، هم زمان با تشکیل حرکت مقاومت اسلامی گرفته شد که با نام اختصاری «حماس» شناخته می شود. او در مصاحبه هایش تاکید کرده بود: «دولت فلسطینی می خواهد مرزهای آن، مرزهای معروف فلسطین باشد. به همین دلیل تا اتمام مرحله آزاد سازی فلسطین، به وظیفه خود ادامه می دهیم» و تصریح کرده بود: «وجود دو دولت در فلسطین محال است؛ راه حل، فقط تأسیس یک دولت اسلامی فلسطینی

به رهبری مسلمانان در همه خاک فلسطین است که عرب و یهود و مسیحی در آن زندگی کنند». تمام این ها کافی بود که سرنوشت او نیز مقصدی جز شهادت در راه خدا نباشد. و شهادت مقصدی بود برای بنیانگذار دومین جنبش جهادی منطقه، حماس، که همواره پس از نام پر هیبت حزب الله، پشت صهیونیست ها و همپالگانشان را به لرزه انداخته است. همان شجره طیبه ای که در حماسه ۲۲ روز مقاومت مردم غزه در زیر شدیدترین حملات و جنایت ها و خیانت ها به اوج شکوفایی و افتخار آفرینی خود دست پیدا کرد. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای در پیامی به مناسبت شهادت رهبر این جنبش چنین فرمود: «شهادت، بی گمان آرزوی همیشگی این شیخ مجاهد پارسا بود و کشته شدن در راه خدا، در کام بندگان مخلص او شیرین است، ولی این نمی تواند از عظمت گناه تبهکاران غاصب صهیونیست بکاهد و وزر این جنایت بزرگ را بر دوش آنان سبک کند. آنچه از شیخ و ملت فلسطین با این جنایت ستانند، جسمی نحیف و علیل بود؛ فکر او را و خطی را که او ترسیم کرد و راهی را که گشود، نخواهند توانست از ملت فلسطین بگیرند. روح شیخ زنده است و درس او که اینک با خون مظلومانه اش ماندگارتر و برجسته تر شده، زمزمه جوانان و نوجوانان نسل آینده فلسطین خواهد بود. مقام معظم رهبری: تبهکاران غاصب فلسطین بدانند که قدرت نمایین های احمقانه آنان، بزرگ ترین شاهد ضعف و شکست آنهاست و رژیم غاصب و دولت مجهول صهیونیستی محکوم به فناست.»



و با خروج مبارزان فلسطینی و سازمان آزادی‌بخش از لبنان، عماد مغنیه نیز به صفوف رزمندگان افواج مقاومت اسلامی (جنبش امل) پیوست که از سوی امام موسی صدر و شهید مصطفی چمران تأسیس شده بود. با تشکیل «حزب الله لبنان» در سال ۱۳۶۲، عماد مغنیه نیز همچون حجت‌الاسلام «سیدعباس موسوی» - دبیر کل حزب الله که بعدها در حمله تروریستی بالگردهای رژیم صهیونیستی به شهادت رسید - و «سیدحسین نصرالله» دبیر کل فعلی حزب الله، از جنبش امل خارج شد و در مقاومت اسلامی نقش بسزایی ایفا کرد. هنگامی که حزب الله تأسیس شد، مغنیه یکی از محافظان سید محمدحسین فضل الله بود که در آن زمان رهبر معنوی این حزب به شمار می‌آمد. یکی از برادران مغنیه به نام «جهاد» در سال ۱۹۸۵ م. یعنی در جریان تلاش رژیم صهیونیستی برای ترور علامه فضل الله به شهادت رسید. طولی نکشید که «فواد» برادر دیگر مغنیه نیز قربانی توطئه سازمان جاسوسی اسرائیل موساد شد و به شهادت رسید.

یکی از جاسوسان صهیونیست، تحت پوشش تاجری فلسطینی، توانست به فواد که کارهای تجاری انجام می‌داد، نزدیک شود. هدف او به تله کشاندن عماد بود. سرانجام پس از آن که سردمداران اطلاعاتی رژیم صهیونیستی از ربودن مغنیه ناامید شدند، تصمیم به قتل او گرفتند. در یکی از روزهای سرد زمستان ۱۳۷۳، درست دقایقی قبل از آن که عماد به دلیل مراعات کلیه جوانب امنیتی به دفتر برادر خود در «حی الصُفیر» در ضاحیه در جنوب بیروت بیاید، ماشینی بمب گذاری شده در کنار دیوار دفتر منفجر شد و فواد و یکی از

در پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان سیا آمده: دو دهه است که عماد مغنیه سرخ عملیات‌های ضدغربی را در دست دارد. میدان فعالیت این مرد تمامی جهان است

نظامی را در اردوگاه آموزشی مبارزی فلسطینی به نام «انیس نقاش» که مسئول شاخه جوانان فتح بود، طی کرد. اردوگاهی که گروه‌های زیادی مثل مارکسیست‌ها، مائوئیست‌ها، ناسیونالیست‌ها و گروهی هم از بچه‌های مسلمان «اخوان المسلمین» در آن جا آموزش می‌دیدند. تقریباً پانزده روز آموزش اسلحه و تاکتیک و جنگ غیر متقارن را در این اردوگاه گذراند. او همچنان به فراگیری روش‌های مبارزه و جهاد ادامه داد و همزمان برای یادگیری علوم دینی، نزد علامه فضل الله حضور می‌یافت. در پی اشغال لبنان از سوی رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ م، مبارزان جنبش آزادی‌بخش فلسطین مجبور به ترک لبنان شدند. محاصره بیروت، سه ماه به طول انجامید

عماد مغنیه کیست؟

شهید «عماد مغنیه» معروف به «حاج رضوان» یا به قول منابع اطلاعاتی غربی «عماد فوزی مغنیه» و «عماد فائز مغنیه» که بیشترین تعداد عملیات علیه رژیم صهیونیستی را در جهان به نام خود ثبت کرده است، سال ۱۳۴۱ شمسی در روستای «عربصالیم» از توابع شهر نبطیه در استان صور در جنوب لبنان، دیده به جهان گشود. خانواده شهید مغنیه که متشکل از پدرش، آیت الله شیخ «جواد مغنیه» از علمای برجسته شیعه لبنان، مادر و «جهاد» و «فواد» دو برادر وی بود که بعدها به شهادت رسیدند، پس از مدتی از صور به ضاحیه جنوبی بیروت نقل مکان کردند و در این منطقه بود که شهید مغنیه، تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را گذراند و پس از آن در جوانی، وارد دانشگاه آمریکایی بیروت (AUB) شد. وی در دوران نوجوانی به این دلیل که به حج تمتع مشرف شد، ملقب به «حاج» گشت و سیدحسین نصرالله وی را «حاج عماد» صدا می‌کرد. او در پانزده سالگی بدون پیوستن به جنبش فتح، آموزش‌های

BEGINNING OF ISRAEL'S

END

دوستانش به شهادت رسیدند. در سال ۱۹۸۲م. عماد مغنیه فرماندهی سه عملیات را به عهده گرفت و همین مسئله باعث شد تا آمریکا و فرانسه وی را در رأس افراد تحت تعقیب قرار دهند. این عملیات‌ها عبارت بودند از: بمب‌گذاری در سفارت آمریکا در بیروت در آوریل ۱۹۸۳م. که به کشته شدن ۶۳ آمریکایی منجر شد. بمب‌گذاری در مقر تفنگداران آمریکایی «مارینز» در بیروت که بر اثر آن ۲۶۱ آمریکایی کشته شدند و بمب‌گذاری در اردوگاه نظامیان فرانسوی در منطقه «البقاع» که مرگ ۵۸ فرانسوی را به همراه داشت و موجب خروج نیروهای آمریکایی و فرانسوی از لبنان گردید. شهید عماد مغنیه به خاطر مهارت‌های خارق‌العاده که در زمینه برنامه‌ریزی و فرماندهی عملیات‌های نظامی در اختیار

داشت، پس از اجرای موفقیت‌آمیز چند عملیات، به عنوان فرمانده گارد حفاظت مقامات بلندپایه حزب‌الله منصوب شد و پس از آن به عنوان مسئول عملیات ویژه حزب‌الله انتخاب شد. شرکت او در سلسله عملیات نظامی و تأثیرگذار علیه اشغالگران صهیونیست، باعث شد تا دشمنان از او به عنوان شخص اول در نبرد با مقاومت اسلامی یاد کنند. عماد مغنیه در پاییز ۱۳۶۲ طی عملیاتی علیه آمریکا در کویت، در حالی که هویت واقعی او را نشناخته بودند، به اسارت درآمد، ولی با ترفندهای گوناگون موفق به رهایی شد. پس از آن بود که سازمان جاسوسی آمریکا C.I.A پی به شخصیت واقعی وی برد و در به در به دنبال دستگیری او، لبنان و خاورمیانه را زیر پا گذاشت.

شهید مغنیه به مدت دو سال از نظرها پنهان ماند تا این که در کابین هواپیمای «تی دبلو ای» آمریکا پیدا شد. آمریکا، مغنیه را به ربودن این هواپیما در فرودگاه بیروت و کشتن یکی از سرنشینان آن که یک نظامی در نیروی دریایی آمریکا بود، متهم کرد. رسانه‌های گروهی مختلف جهان خبر داده‌اند که مغنیه برای نخستین بار در سال ۱۹۹۰م. بر روی صورت خود جراحی پلاستیک انجام و سپس با چهره جدیدش

به بیروت رفت، اما این خیال‌پردازی پس از شهادت وی، توسط هم‌زمان او تکذیب شد.

مغنیه روایدهای زیادی از کشورهای مختلف در اختیار داشت و به وسیله آن‌ها توانست عملیات‌های مختلفی را به اجرا گذارد. مغنیه پیش از شهادت، از چندین عملیات تروریستی نجات یافته بود. وی پس از آن که سیدحسین نصرالله دبیر کل حزب‌الله شد، برای مدتی در عرصه سیاسی فعالیت کرد تا این که در نهایت فرماندهی شاخه نظامی حزب‌الله را به عهده گرفت. از آزادی جنوب لبنان در سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۵، یعنی آغاز نبرد ۳۳ روزه، مغنیه تغییرات استراتژیک و شگفت‌انگیزی را برای مقابله با حمله احتمالی صهیونیست‌ها تدارک دید و با برنامه ریزی‌های پیچیده، آماده مقابله با هرگونه تجاوز رژیم اشغالگر قدس شدند. در جریان نبرد ۳۳ روزه که تنها جنگ میان صهیونیست‌ها به عنوان ارتش چهارم جهان با مسلمانان شناخته می‌شود که مسلمانان در آن پیروز شدند، رهبری جنگ و مبارزه را در خطوط مقدم به عهده داشت و بسیاری این پیروزی را حاصل فرماندهی مدبرانه و دلیرانه او دانسته‌اند. ابراهیم الامین مدیر مسئول روزنامه الاخبار چاپ لبنان، در گزارشی به نقل از خاطرات یکی از رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان در جنگ ۳۳ روزه با رژیم صهیونیستی می‌نویسد: «دقت عمل و برنامه‌ریزی حاج رضوان در جنگ ۳۳ روزه لبنان بی‌نظیر بود. همیشه پیش‌بینی‌های او درباره دشمن درست از آب در می‌آمد و ما بعد از کسب هر پیروزی، به او می‌گفتیم حاجی باز هم پیش‌بینی کردی، الحق که علم غیب داری، او با لبخندی در پاسخ می‌گفت: برای رویارویی با دشمن نیازی به علم غیب

با تشکیل «حزب الله لبنان» در سال ۱۳۶۲، عماد مغنیه نیز همچون حجت‌الاسلام «سیدعباس موسوی» - دبیر کل حزب‌الله که بعدها در حمله تروریستی بالگردهای رژیم صهیونیستی به شهادت رسید - و «سیدحسین نصرالله» دبیر کل فعلی حزب‌الله، از جنبش امل خارج شد و در مقاومت اسلامی نقش بسزایی ایفا کرد.





عبدالرضا

برخلاف آنچه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه عماد مغنیه جو سازی می‌کنند و او را تروریستی بزرگ می‌نامند، وی تنها رزمنده‌ای خالص از مقاومت اسلامی لبنان بود که برای نجات کشورش از اشغالگران، تا پای جان مبارزه کرد.

نیست، کافی است به ضعف دشمن و به قدرت خود بیندیشیم.»

شهید عماد مغنیه شخصیتی نبود که کسی اطلاعات دقیقی از او داشته باشد؛ چرا که زیرکی و رعایت تمامی اصول حفاظتی هرگز از چشم او دور نمی‌ماند تا جایی که در پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان سیا آمده است: دو دهه است که عماد مغنیه سرنخ عملیات‌های ضدغربی را در دست دارد. میدان فعالیت این مرد تمامی جهان است؛ پیش از بن لادن، هیچکس به اندازه مغنیه عملیات تروریستی علیه هدف‌های غربی انجام نداده است.

در انفجاری که ساعت ۲۳ روز ۱۲ فوریه ۲۰۰۸ داخل یک خودروی میتسویشی پاجروی صفر کیلومتر نقره‌ای در منطقه «کفر سوسه» و خیابان «الحدیقه» در دمشق رخ داد، عماد مغنیه شهید شد و دو زخمی بر جا گذاشت. در این منطقه، یک مدرسه ایرانی، یک مرکز پلیس و دفتر اصلی سازمان اطلاعات سوریه قرار دارد. پس از این واقعه، حزب‌الله در بیانه‌ای، اسرائیل را مسئول ترور این مقام ارشد نظامی حزب‌الله دانست و اسرائیل نیز به صورت مخفی، این ترور را یکی از بزرگترین عملیات‌های موفقیت‌آمیز خود در طی ۶۰ سال تأسیس ننگین خود دانست. هفته‌نامه ساندی‌تایم

پهنه وب، در مورد حاج عماد دستمان را می‌گیرد؛ اما آنچه که هنوز تحلیل و بررسی نشده است، حل یک مسئله مشکوک است!

عماد مغنیه؛ فراتر از یک خطر

در سال ۱۹۹۱، در جریان جنگ دوم خلیج فارس و به دنبال درگیری شدید نیروهای آمریکا بر ضد صدام، هسته مرکزی تمرکز نیروهای عراق در جنوب این کشور قرار داشت تا بتواند در برابر حجم سنگین آتش نیروهای آمریکایی که از زمین و هوا بر عراق می‌بارید، مقاومت کنند.

در فاصله این درگیری شدید، گروه‌های معارض عراقی فرصت یافتند تا در جهت ساقط کردن صدام و رسیدن به خواسته‌های خود که سالیان سال معوق مانده بود، به سمت پایتخت حرکت کنند که در این بین، شیعیان از جنوب و اکراد از شمال، دست

نیز از او این چنین یاد می‌کند: عماد مغنیه باهوش‌ترین و توانمندترین عاملی بود که ما تاکنون با آن روبرو شده بودیم.

برخلاف آنچه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه عماد مغنیه جو سازی می‌کنند و او را تروریستی بزرگ می‌نامند، وی تنها رزمنده‌ای خالص از مقاومت اسلامی لبنان بود که برای نجات کشورش از اشغالگران، تا پای جان مبارزه کرد. تواضع و شوخ‌طبعی وی، عاملی بود که کمتر کسی بتواند توانایی‌های او را به سادگی بشناسد. همیشه مهیا و آماده بود. مخفی ماندن از چشم دشمن با استفاده از روش‌های خاص، از ویژگی‌های دیگر او بود؛ به گونه‌ای که مهم‌ترین سازمان‌های اطلاعاتی جهان، بیش از ۲۵ سال نتوانستند او را بیابند.

آنچه خواندید، تقریباً همه آن چیزی است که در گشت‌وگذار چند ساعته بر

BEGINING OF ISRAEL'S

END

مبارزه

سلطه خود، زیر پا می گذارد و با برپایی امپراتوری نظامی و رعب افکنی، همه جهان را به حیاط خلوت خواسته‌های خود تبدیل می‌کند. در این میدان، شورای امنیت سازمان ملل و انواع نهادهای حقوق بشری و از این دست، بازیگران آفریده شده توسط استعمارند و امان از روزی که ملتی یا ملت‌هایی بیدار شوند و ابهت پوشالین

دقت عمل و برنامه‌ریزی حاج رضوان در جنگ ۳۳ روزه لبنان بی‌نظیر بود. همیشه پیش‌بینی‌های او درباره دشمن درست از آب در می‌آمد و ما بعد از کسب هر پیروزی، به او می‌گفتیم حاجی باز هم پیش‌بینی کردی، الحق که علم غیب‌داری، او با لبخندی در پاسخ می‌گفت: برای رویارویی با دشمن نیازی به علم غیب نیست، کافی است به ضعف دشمن و به قدرت خود بیندیشیم.



این سلطه نظامی فرو ریخته شود. حزب الله لبنان به عنوان یکی از اقرار درخشان انقلاب اسلامی ملت ایران، در نبردهای مختلف، ابهت چهارمین ارتش قدرتمند و مجهز دنیا را که توسط همه جهانخواران شرق و غرب پشتیبانی می‌شود را می‌شکند و امید را در دل همه مسلمانان زنده نگاه می‌دارد. خوب! برای استعمار، خطری بالاتر از این امید بیدار شده نیست. از این روست که سرنوشت محتوم جهادگرانی چون شیخ راغب حرب، سیدعباس موسوی و عماد مغنیه به منزلگه شهادت ختم می‌شود و شهید عماد مغنیه در ۴۰ کشور تحت تعقیب قرار می‌گیرد. حکایت چهل دزد بغداد را که یادتان هست!؟

اسلام ناب محمدی در مقابل اسلام آمریکایی
همیشه حيله گری و مکر استعمار به

حالا تصور کنید همین آمریکا تقریباً ده سال بعد به عنوان منجی وارد صحنه می‌شود تا حکومت پیر و در آستانه سرنگونی صدام را به عنوان یک فرشته نجات، ساقط کند و از طرفی کنترل اوضاع به دست مردم نیفتد. در همین حین به جز کشتار مردم بی گناه عراق و تجاوز و غارت ثروت‌های ملی عراق و تأمین هزینه نیروهای مستقر آمریکایی از صادرات نفت عراق، حدود یک میلیون عراقی فقط به دلیل فقر و مشکلات بهداشتی ناشی از اشغال، کشته شده‌اند. اینک به نظر تان چقدر دیگر تا انقضای محصولی جدید به نام القاعده و اسامه بن لادن باقی مانده است؟

این شیرین کاری شیطان بزرگ و شرکا، گفته شد تا آسان تر یتوان به ماهیت غرب و استعمار پیچیده آن پی برد. امپریالیسم همه چارچوب‌های اخلاقی را برای حفظ

به حرکت زدند و هفتاد درصد عراق را از شر نیروهای بعثی آزاد کردند و همچنان در حال پیشروی بودند.

اما از آنجا که تاریخ مصرف این عروسک کوکی - صدام و رژیم بعث - همچنان تمام نشده بود، آمریکا برای ضربه زدن به انتفاضه مردم عراق معروف به شعبانیه و جلوگیری از استقرار دولتی مردمی در عراق، از بمباران شمال و جنوب دست کشید تا بقایای ارتش صدام با کمک گروهک تروریستی منافقین بتوانند با فراغ بال، این مقاومت مردمی را در هم بشکنند. با انجام این کار، هم انتفاضه مردم عراق شکست خورد و هم توجه صدام مدتی معطوف به مشکلات دیگری غیر از جنگ با آمریکا شد و توانست با خیالی آسوده در مقابل چشم آمریکایی‌های بشردوست، پانصد هزار نفر از مردم عراق را قتل عام کند.



در سال ۱۹۸۲م. عماد مغنیه فرماندهی سه عملیات را به عهده گرفت و همین مساله باعث شد تا آمریکا و فرانسه وی را در راس افراد تحت تعقیب قرار دهند.

جناب حسنی مبارک همراه با یهود اولمرت صهیونیست، در محاصره غزه شریک شود و یک فاجعه انسانی در غزه رقم زند، اصلا مهم نیست! دریغ از یک عملیات علیه صهیونیست‌ها و عمال دست‌نشانده عرب! و تا دلتان بخواهد کشتار شیعیان بی دفاع در پاکستان و افغانستان و عراق و هر جایی که بوی خون مظلومی به مشام برسد. به نظر می‌رسد تا وقتی که تاریخ مصرف جناب بن لادن، این دراکولای خون آشام، هنوز تمام نشده است، باید شاهد اخباری از قبیل فالوده خوردن مقامات آمریکایی و اروپایی با طالبان و القاعده نیز باشیم. همان چیزی که امروزه داد مقامات افغانستان را هم درآورده است. از طرفی آمریکا و شرکا به اسم نابودی القاعده و طالبان، افغانستان را اشغال می‌کنند (یادمان نمی‌رود شوروی سابق برای همین اشغال چه زجری کشید و عاقبت هم از مردم افغانستان طعم شکست را چشید) و از طرفی امروزه اخبار مذاکرات علنی و غیر علنی شان با طالبان و القاعده در همه رسانه‌های دنیا اعلام می‌شود و پیداست که تاریخ مصرف طالبان و القاعده هنوز به پایان نرسیده است و معلوم نیست مردم مظلوم افغانستان تا کی باید شاهد کشتار عزیزانشان

و گروهی به نام «القاعده». عروسکی که مجری سیاست اسلام هراسی باشد و چهره ای منفور و سیاه از اسلام را برای جهانیان ترسیم کند. در سایه خدمات جناب بن لادن، می‌توان حزب الله و مغنیه را هم به زعم خویش «تروریست» خطاب کرد، چون آن‌ها هم مسلمانند! فقط یک نکته باقی می‌ماند؛ جناب بن لادن تمام حرکاتش، دقت کنید: تمام حرکاتش بدون استثناء، در راستای اهداف استعمار بدون تعریف می‌شود و همواره در میدان آن‌ها بازی می‌کند و از این طرف حزب الله و همگی سلسله عملیات تحت فرماندهی حاج عماد، نقشه‌های استعمار را یکی یکی فرو می‌ریزد.

اسامه بن لادن از نارضایتی‌های موجود در بین مسلمانان جهان اسلام از قبیل بحران فلسطین، حضور آمریکا در خلیج فارس، حضور روسیه در چین و نیز نارضایتی‌های داخلی علیه فساد حکومت‌های منطقه، برای توجیه اعمال خود استفاده می‌کند و با حمایتی صوری از این جریان‌ها، همه آن‌ها را بی‌منطق و از تبار خود معرفی می‌کند. او هنجارها و ارزش‌های اسلام در مورد حکومتداری خوب، عدالت اجتماعی و جهاد را به ترورهای کور و بی‌منطق تبدیل می‌کند. کسانی که با آنها نیستند، خواه مسلمان و خواه غیر مسلمان، دشمن محسوب می‌شوند و آنها را باید در یک جنگ بدون محدودیت که هیچ تناسبی میان هدف و ابزار وجود ندارد، نابود کرد. حالا اگر

ظریف‌ترین صورت ممکن شکل می‌گیرد. مقابل دین واقعی، دین بدلی ساخته می‌شود و مقابل اسلام ناب محمدی، اسلام آمریکایی! باور نمی‌کنید؟ پس لطفا جستجویی درباره لیست تروریست‌های! تحت تعقیب سازمان جاسوسی آمریکا انجام دهید و نفر اول و دوم لیست را به خاطر بسپارید. نفر اول: نماینده اسلام آمریکایی، آقای اسامه بن لادن که الان معلوم نیست (البته برای ما معلوم نیست!) در کدام ینگه دنیا در حال عیش و نوش و طرح ریزی برای کشتار شیعیان است یا شاید مشغول انجام یک پروژه نان و آبدار و مستند! از سر بریدن یک بخت برگشته باشد؛ سر بریدن قربه الی الله! یکی از ملیت‌های مختلف دنیا جلوی پرچم لاله‌الله، تا بلافاصله از شبکه‌های مختلف دنیا به نمایش درآید. نفر دوم: نماینده اسلام ناب محمدی، شهید عماد مغنیه خودمان است. با ۲۵ میلیون دلار جایزه برای زنده یا مرده‌اش، یعنی چیزی حدود ۲۳ میلیارد تومان!!! که دو سال پیش، پس از ۲۶ سال جستجو و چندین عملیات ناموفق، بالاخره پیدایش می‌کنند و به شهادتش می‌رسانند. مقایسه موشکافانه اهداف و عملیات‌های این دو نفر، گره از بسیاری واقعیت‌ها خواهد گشود. غرب حيله اندیش، برای بقا و ادامه جنایت‌ها و خیانت‌های خویش، نیازی مضاعف به بهانه‌های به ظاهر قانونی دارد. پس بهترین حرکت خلق یک عروسک است. عروسکی به نام «بن‌لادن»

BEGINNING OF ISRAEL'S

END

فقدان این مرد آزاده فداکار و برجسته، اگر چه برای همه انسان‌های شریف و همه آنان که او را می‌شناختند؛ به ویژه برای والدین، همسر و فرزندان عزیز و دیگر کسان و یارانش دردناک است، ولی زندگی و مرگ انسان‌هایی مانند او، حماسه‌ای است که ملت‌ها را بیدار می‌کند و به جوانان الگو می‌دهد و افق‌های روشن و راه رسیدن به آن را برای همه ترسیم می‌نماید.

صهیونیست‌های خونخوار و جنایتکار بدانند که خون مطهر شهیدانی همچون عماد مغنیه، صدها عماد مغنیه می‌افریند و مقاومت در برابر ظلم و فساد و طغیان را دو چندان می‌کند. مردانی چون این شهید بزرگوار، زندگی و اسایش و بهره‌مندی‌های مادی خود را در راه دفاع از مظلوم، مبارزه با ظلم و استکبار فدا کردند و این ارزش والاّی است که همه وجدان‌های انسانی در برابر آن سر تعظیم فرود می‌آورند.

رضوان خدا بسر او و بر همه مجاهدان راه حق باد. من این شهادت بزرگ را به شخص شما و به خانواده گرامی‌اش و به جوانان سرافراز حزب الله و مقاومت و به همه ملت لبنان تبریک و تسلیت می‌گویم.

والسلام علیه و علیکم و رحمة الله
سیدعلی خامنه‌ای

منابع:

پایگاه اطلاع رسانی مقاومت
خبرگزاری فارس
خبرگزاری شریف نیوز، مصاحبه با انیس نقاش
سایت مرکز اطلاع رسانی فلسطین
سایت جامع دفاع مقدس، ساجد
سایت باشگاه اندیشه
روزنامه ایران
دانش نامه آزاد و یکی پدیا
پایگاه اطلاع رسانی حوزه
احداث مغربیه، پرتیراژترین روزنامه مراکش به نقل از
سایت پرس و جو

کردند و در بسیاری نظرسنجی‌ها، سید حسن نصرالله، دبیرکل جنبش حزب الله، به عنوان محبوبترین رهبر جهان اسلام معرفی شده است. جالب آنکه در جریان برگزاری اولین جلسه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه در تهران، هنگامی که سخنرانی حضرت آیت الله خامنه‌ای تمام شده بود و ایشان در حال عبور از سالن کنفرانس بود، سیدحسن خودش را رساند و دست آقا را بوسید. فردا وقتی علت را پرسیدند، گفت: «امسال رسانه‌های جهانی مرا مرد سال جهان عرب نامیدند؛ خواستم نشان بدهم مرد سال جهان عرب، سرباز سید علی است.» و هم‌زمان حاج عماد بارها از ولایت پذیری او و ارادت و ویژه‌اش به حضرت آیت الله خامنه‌ای گفته‌اند.

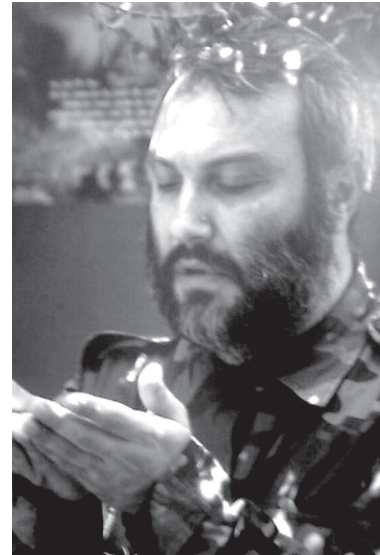
ملت‌های جهان بیدارند

اذهان عمومی جهان، علی‌رغم خدعه‌اربابان رسانه‌ای غرب، فرق مقاومت و ترور را به راحتی می‌فهمند، به ویژه در شرایط فعلی که معیارهای دوگانه غرب و سازمان‌های بین‌المللی، عقل و هوش هر صاحب خردی را می‌آزارد. همان است که پس از شهادت حاج عماد، بسیاری از مقامات و شخصیت‌ها در مراسم ترسیم حاضر می‌شوند و بسیاری از ملت‌های مظلوم و ستمدیده جهان، در سوگ او اشک می‌ریزند و این گونه است که رهبر فرزانه انقلاب، پیامی قاطع و پر شور به مناسبت شهادت این مجاهد وارسته صادر می‌کنند:

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر عزیز جناب حجت‌الاسلام آقای
سیدحسن نصرالله

شهادت برادر مجاهد، مخلص و فداکار آقای حاج عماد مغنیه برای خود او که سرایا عشق و شور جهاد فی سبیل الله بود، فوزی عظیم و سرانجامی سعادت‌بار است و برای ملت لبنان که چنین مردان بزرگی را پرورده و به عرصه آزادخواهی و مبارزه با ستم تقدیم کرده، مایه سرافرازی و سربلندی است.



در مجالس عزاء و عروسی طالبان و القاعده
و آمریکا باشند.

حالا نفر دوم لیست را در نظر بگیرید؛ همان حاج عماد خودمان. تمام عملیات‌های حاج عماد به جز یک مورد، همگی در لبنان اتفاق افتاده است. یعنی در کشور مادری شهید مغنیه و در تمام موارد اشغالگران به هلاکت رسیده‌اند. حزب الله بارها اعلام کرده است که سلاحش فقط برای مقاومت در برابر اشغالگران صهیونیست به کار گرفته خواهد شد و این ادعا بارها توسط رسانه‌ها و ناظران مختلف تأیید شده است. از جمله نتایج مجاهدت حزب الله و عملیات‌هایی که عماد مغنیه فرماندهی آنها را به عهده داشته است، آزادسازی لبنان در سال ۱۳۶۲، عقب نشینی سال ۱۳۷۹ صهیونیست‌ها از اراضی اشغالی لبنان، پیروزی بی‌نظیر حزب الله لبنان در مقابل حمله همه جانبه رژیم صهیونیستی در نبرد ۳۳ روزه سال ۱۳۸۵ و محبوبیت بی‌نظیر این جنبش و سران آن در سراسر جهان است. به طوری که رسانه‌های جهانی، سید حسن نصرالله را در سال ۱۳۸۲ مرد سال جهان عرب معرفی